

تحلیلی از نارسائی‌های خط مشی‌گذاری عمومی در ایران

محمدصادق مودب

چکیده

خط مشی عمومی را می‌توان عامل ایجاد و حفظ نظم در جوامع و برنامه حرکت از وضع موجود به طرف اهداف آرمانی دانست. همه آحاد جامعه در این امر نقش دارند اما مانند اغلب مسائل عصر جدید این موضوع نیز تخصصی شده و دارای ارکان تعریف شده می‌باشد که سهم آن ارکان در انجام این مهم عمده و تعیین‌کننده است. با ملاحظه دستاوردهای علمی مربوط به این رشته که حاصل تلاش جمعی اندیشمندان جهان است و نیز تعلیمات آسمانی مکتب کمال بخش اسلام و دخالت عقل به صورت مطالعات تطبیقی با لحاظ شرایط زمانی و مکانی به این نتیجه می‌رسیم که کیفیت نظام خط‌مشی‌گذاری در ایران نسبت به آنچه که باید باشد فاصله زیادی دارد. توجیه نبودن برخی از اقبشار جامعه، بهره نگرفتن از یافته‌های علمی این رشته و مناسب نبودن تعدادی از دست‌اندرکاران این وظیفه از ضعف‌های اساسی نظام یادشده است.

تذکرات و انتقادات مراکز دانشگاهی و رسانه‌های گروهی و صاحب‌نظران می‌تواند به عنوان نقطه شروع یک حرکت فرهنگی تلقی شده و مآلاً به ایجاد تغییرات عملی مطلوب در این زمینه منجر شود.

مقدمه

اهمیت خط مشی گذاری عمومی در پیشرفت جوامع بر هیچکس پوشیده نیست و این در حالی است که انجام بهینه آن بیشتر به سرمایه فکری نیاز دارد تا منابع مادی. از آنجا که این رشته در مقایسه با سایر رشته‌های علمی از قدمت زیادی برخوردار نیست از این رو کتاب‌های معدودی که در این رابطه به زبان فارسی به چاپ رسیده و به بحث در مورد مبانی و کلیات این موضوع پرداخته است. در این مقاله سعی شده است که با استفاده از اصول تئوریک این رشته، واقعیت‌های موجود نظام خط مشی گذاری عمومی در کشورمان مورد بررسی قرار گرفته و در هر مورد پیشنهادهاتی برای اصلاح فرایند ارائه شود.

ضمناً مقاله از نوع پژوهشی نبوده بلکه اساس آن تحلیل نظری و استدلال عقلی نگازنده است که با مقایسه تئوری‌های موجود در کتب دانشگاهی و اصول مذکور در اعتقادات اسلامی و هنجارهای اجتماعی از یکطرف و واقعیت‌های عملی موجود از طرف دیگر تدوین شده است.

تعریف خط مشی عمومی

برای خط مشی عمومی تعاریف زیادی مطرح شده است که هر کدام از یک بعد به موضوع نگریسته و در واقع مکمل یکدیگر می‌باشند.

بطور کلی تصمیم‌ها و سیاست‌های مراجع مختلف بخش عمومی مانند مجلس، دولت و قوه قضائیه که نمایندگان حافظ منافع عمومی هستند خط مشی عمومی نامیده می‌شود.

این تصمیم‌ها در قالب قوانین و مقررات، تصویب نامه‌ها، آئین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و ... تجلی می‌کند و با انشاء بایدها و نبایدها براساس فرهنگ، ارزش‌ها و اولویت‌های مورد قبول جامعه و با خاصیت تکرار و تداوم و فراگیر بودن موجب هماهنگی در عملکرد بخش‌ها و سازمان‌های عمومی و ایجاد نظم در جامعه و وحدت ملی می‌گردد.

خط مشی‌ها یا برای مقابله با مشکل معین وضع می‌شوند یا برای تعیین روش‌های اجرایی برای تحقق برنامه‌ها و اهداف از پیش تعیین شده. به عقیده نگارنده این موضوع در کشور ما در رابطه با محورهای مذکور در زیر آن‌طور که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته و ضعف‌های اساسی دارد.

نارسائی‌های خط مشی گذاری عمومی در ایران

۱- عدم توجه به تخصصی بودن موضوع

در جامعه دینی ایران دستورات مذهبی که هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی وسیع و عمیق است همان خط مشی‌های کلان هستند که توسط صانع و رسولان او و جانشینان آنها از ائمه معصومین (ع) تا فقهاء واجد شرایط تبیین می‌شوند و برای پاسخگویی به نیازهای ناشی از پیشرفت‌های علمی و مسائل جدید اجتماعی ارکان خط مشی گذاری عمومی در همه کشورها و از جمله کشور ما به وجود آمده است. واضح است که برای درک پیچیدگی‌ها و وسعت و عمق علمی مسائل ناشی از مدنیت عصر جدید نه تنها یک سری صلاحیت‌های علمی و تخصصی و قدرت تحلیل ذهنی برای دست اندر کاران امر خط مشی گذاری لازم است بلکه این مسؤولیت باید به نخبگان جامعه واگذار شود.

خود قانون انتخابات نمایندگان مجلس در این زمینه همواره قدری از زمان عقب‌تر بوده است به عنوان نمونه طی چندین دوره، از شرایط نامزد شدن برای نمایندگی مجلس شرط سواد خواندن و نوشتن بود که به آگاهان و منتقدین حق می‌دهد ما را به عقب ماندگی متهم کنند و وقتی در دوره‌های مختلف مجلس، نمایندگان این شرط را به دارا بودن مدرک کارشناسی اصلاح کردند هر بار توسط شورای نگهبان رد شد! اگر معدود افراد استثنائی پیدا می‌شوند که بدون داشتن لیسانس یا سطح (در مورد تحصیلات حوزوی) دارای قابلیت‌های بالایی هستند نمی‌توان مصلحت کلان جامعه را فدای اقلیت کرد داشتن تحصیلات بالا اگر چه شرط کافی نمی‌باشد اما لازم است. همین موضوع متأسفانه در قانون شوراها هم وجود داشته است.

و بالاخره پس از تلاش‌ها و تنش‌های زیاد شرط فوق دیپلم را در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب کردند که باز هم با اقتضائات جوامع امروزی تناسب ندارد.

نتیجه این نوع نارسائی در ابعاد مختلف تجلی می‌یابد حتی به جایی می‌رسد که رعایت نکات دستوری زبان فارسی در قوانین ضعیف می‌شود به عنوان نمونه هر کس قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل را مطالعه نماید پی می‌برد که در آن نه قواعد دستور زبان فارسی رعایت شده است و نه تعاریف رایج جهانی در مباحث استخدامی. به علاوه ابهام، تناقض، تفسیرپذیری زمینه را برای برداشتهای مختلف و عملکردهای گوناگون و ناهماهنگی‌ها و شکایات و اتلاف وقت قوه‌ی قضائیه و دوباره کاری‌ها و نارضایتی‌ها فراهم می‌کند. درست است که امکان ندارد افراد دست‌اندرکار این امر در تمام زمینه‌های علمی تخصص داشته باشند اما یک حداقل صلاحیت علمی و قدرت ذهنی برای این کار ضروریست اگر استفاده از نظرات اساتید دانشگاه‌ها، صاحب‌نظران و دانشمندان در زمینه‌های مختلف مورد قبول خاص و عام است و تصمیم گیرنده در یک جایگاه علمی بالاتر نسبت به آنها قرار ندارد حداقل باید بتواند از صحبت‌ها و اظهارنظرها و تجزیه و تحلیل علمی آنها برداشت صحیح کنند و به اصطلاح اگر آشپز نیست حداقل قدرت تمیز طعم آش را داشته باشد.

در کشورهای پیشرفته خواه به صورت قانون انتخابات و خواه به صورت هنجار و عرف مقبول جامعه این مطلب جا افتاده است که معمولاً و کلاً پس از سی چهار سال تحصیل و کسب دانش و تجربه در سنین بالای چهار پنجاه سالگی وارد ارگان‌های قانونگذاری می‌شوند ولی علی‌رغم اعتقادات ما مبنی بر کمال عقل انسان در چهار سالگی (که البته در مورد هر فرد نسبت به خودش صادق است) و تایید این امر با یافته‌های علمی و ریشه داشتن موضوع در فرهنگ جامعه مانند ضرب‌المثل «آنچه که جوان در آئینه می‌بیند پیر در خشت خام می‌بیند» به این مطلب کم توجهی می‌شود بعضی از نمایندگان تازه در مجلس شروع به تکمیل تحصیلات خود می‌نمایند که البته اگر واقعاً با نیت کسب صلاحیت علمی باشد امری مستحسن می‌باشد اما متأسفانه اغلب به صورت فرمالیته و اخذ مدرک و کسب عنوان می‌باشد به جرات می‌توان گفت

اغلب کسانی که خارج از روال آموزش عالی و بدون کنکور تحصیلات کارشناسی‌ارشد و دکترا را طی نموده و عنوان دکترا را یدک می‌کشند حتی از قبول شدن در آزمون کارشناسی‌ارشد همان رشته عاجز می‌باشند!

به طور خلاصه، دانش خط‌مشی‌گذاری امروزه یک دانش میان رشته‌ای همانند سایر رشته‌های علمی است و نمی‌شود هر کس با هر شرایط مدعی شود که از عهده این کار برمی‌آید.

۲- عدم درک و توجه به روح کلی خط‌مشی‌های اساسی و کلان

خط‌مشی‌گذاران باید قبل از ایفای این نقش به نحوی تربیت شده باشند که با روح کلی خط‌مشی‌های کلان جامعه آشنا باشند تا همواره به منارها و راهنماهای به طرف هدف توجه کرده و از انحرافات عمده مصون بمانند اگر در قانون اساسی این کشور تصریح شده که قوانین عادی نباید با شریعت اسلام و قانون اساسی مغایرت داشته باشد چرا مرتباً شاهد رد مصوبات مجلس توسط شورای نگهبان بهمین دلایل هستیم آیا شورای نگهبان دچار اشتباه است یا نمایندگان مربی به تربیت اسلامی نیستند. دارا بودن مجموعه اطلاعات پایه ای مذهبی صرفنظر از رشته علمی داوطلبان نمایندگی مجلس از ضروریات است وگرنه کماکان شاهد اتلاف وقت ها و از بین رفتن فرصت‌ها و ناهماهنگی و ایجاد بدبینی و بهانه دادن به دست دشمنان خواهیم بود. نمایندگان باید ضمن ملاحظه اقتضائات زمانی و مکانی کشور همواره به اصول ثابت توجه داشته باشند اصولی که تا انسان، انسان است و به موجود دیگری تبدیل نشده ثابت و لایتغیر می‌باشند و با فطرت او عجین شده‌اند.

در بسیاری از موارد بدون تفکر نظام‌گرا بجای پرداختن به ریشه قضایا و علاج علت‌ها با معلول مبارزه می‌شود که نتیجه‌ای ناپایدار و حتی منفی بدنبال خواهد داشت.

اگر فقر و اختلاف طبقاتی و استثنائات و تبعیض و بی‌عدالتی و رانت‌خواری منشاء مفاسد مختلف است باید مساعی همگان برای خشکاندن این ریشه‌ها صرف شود

وگرنه با وجود اختلاف طبقاتی و فقر مهلک امکان ندارد جوانان عقده‌ای که به انحاء مختلف در جامعه مشکل بوجود می‌آورند نباشند. مرحوم سیدقطب در کتاب «چه باید کرد» به مطلبی اشاره کرده است که مرتبط با این بحث می‌باشد او می‌گوید «از ما سؤال می‌کنند که اسلام برای فلان مشکل چه راه حلی دارد من می‌گویم اگر اسلام اجرا می‌شد این مشکل اساساً بوجود نمی‌آمد تا راه حل آنرا از اسلام جویا شویم.»

اجرای روش‌های اساسی صحیح از باب علاج واقع قبل از وقوع و شبیه موضوع بهداشت در مقابل درمان از بروز مشکلات تبعی فراوان جلوگیری می‌کند. باید این روش‌های اساسی مورد شناسایی و عمل قرار گیرند. بسیاری از قوانین موضوعه مجلس ما به جنگ با معلول رفته اند تا علت و دامنه آن از سیاست‌های امدادی گرفته تا مسائل فرهنگی ادامه می‌یابد و هرکس می‌تواند مصادیق آنها را از بین مصوبات شناسایی نماید و در این مقاله فرصت توضیح بیشتر وجود ندارد.

۳- سوء تدبیر و عدم استفاده از روش‌های علمی پیش‌بینی

همان‌طور که روش‌های علمی، تغییرات هوا و بارندگی‌ها و سیل و ... را پیش‌بینی می‌کنند برای پیش‌بینی اوضاع سیاسی و اجتماعی و ... نیز روش‌های علمی مختلف وجود دارد که باید از آنها استفاده شود اگر راننده که صدها متر جلوتر را می‌بیند در شرایط بخصوص از قبل خود را با موقعیت هماهنگ نکند نمی‌تواند به مقصد برسد مثلاً قبل از رسیدن به پیچ تند سرعت را کم نکند و درست لحظه‌ای که به پیچ رسید ترمز نماید. شرایط متغیر جوامع امروز بویژه سرعت سرسام‌آور تغییرات ایجاب می‌نماید که در تصمیم‌گیری‌ها و خط مشی‌گذاری حتی‌الامکان آینده‌های دور را ببینیم والا اگر با شرایط امروز برای فردا تصمیم بگیریم قطعاً تصمیم ناکارآمد خواهد بود. بسیاری از بیماری‌ها قبل از آنکه به مرحله حاد و صعب‌العلاج برسند با علائم اولیه و تعدادی آزمایش ساده توسط متخصصین قابل تشخیص می‌باشند در جامعه هم این استعاره صادق است.

با تعقل و تعمق و استفاده از روش‌های علمی پیش‌بینی و نیز استفاده از ذهن‌های مستعد می‌توان به مسائل و فرصت‌هایی که هنوز پیدا نشده‌اند ولی پیدایش آنها در آینده پیش‌بینی می‌شود پی برد و در خصوص آنها تصمیم گرفت باید وضعیت ایده‌آل برای آینده ترسیم و تعریف شود و راه‌های ممکن برای گذار از مرحله فعلی به وضعیت مورد علاقه بررسی و بهترین آنها انتخاب گردد.

اگر می‌توان با اجرای طرح‌های آبخیزداری جلو سیل‌های بنیان کن را گرفت و با احداث ساختمان‌های مقاوم در برابر زلزله از بروز خسارت زلزله تا شدت‌های بالا جلوگیری کرد و با پیش‌بینی درست هوا و ایجاد انفجارهای حساب شده در فضا تگرگ را به باران تبدیل کرد و با ایجاد واکسیناسیون و قرنطینه از شیوع بیماری‌های واگیردار ممانعت بعمل آورد و ... و ... بحث از بلایای طبیعی چه معنا دارد آیا بزرگترین بلا، جهل و عقب‌ماندگی ما نسبت به این موضوعات نیست؟! تدبیر به معنای پشت قضایا و آینده را دیدن که این همه مورد تاکید پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) قرار گرفته بیانگر همین موضوع است.

انی ما اخاف علی امتی الفقر و لکن اخاف علیهم سوء التدبیر. همانا من از جهت ناداری نگران امتم نیستم و لکن از تدبیر بد آنان نگران هستم. پیامبر اسلام (ص) (احصائی، ۱۳۴۰ هـ. ق)

۴- بر خورد انفعالی و تدافعی با قضایای برجسته به جای برخورد فعال و تهاجمی و نادیده گرفتن محرک‌های بطئی

گاهی در جامعه بحران‌هایی بوجود می‌آید که مسؤولان با یک سری اقدامات فوری نسبت به علاج سریع و موقت آن اقدام می‌نمایند بی آنکه به علت‌های اصلی بپردازند و این موضوع را بررسی کنند که آیا امکان پیش‌بینی این وضع وجود دارد باز با وضع موجود می‌سازند تا دوباره بحران دیگری به وجود آمده و توجه آنها را به خود جلب کند. نشان دادن عکس‌العمل به حرکت‌ها و محرک‌های تند و غافل شدن

از محرک‌های کند که به تدریج حیات فرد و نظام را به خطر می‌اندازد شبیه داستان «قورباغه پخته» و «روش مارگیری»^{*} است.

فرق است بین سوار مسلطی که افسار اسب را به دست گرفته و او را در جهت دلخواه هدایت می‌کند با کسی که کنترل را از دست داده و مرکب او را به هر جا که خواست می‌برد. اگر تب و درد از علائم یک بیماری مخفی است و موقتاً باید به بیمار تب‌بر و مسکن داده شود نمی‌شود تا آخر به همان داروها اکتفا کرد.

مدیران خوب نه تنها با تغییرات قهری کنار می‌آیند و با واقعیت‌ها دوست شده و تعامل مثبت برقرار می‌کنند بلکه با استفاده از روش‌های پیش‌بینی که در بند قبل اشاره شد و با آینده‌نگری درصدد ایجاد تغییر برمی‌آیند و تنها با روش‌های موجود خو نمی‌گیرند بلکه همواره با دید انتقادی سعی در یافتن ایرادهای آنها برآمده و با خلاقیت و نوآوری بی‌آنکه از عیب‌جویی دیگران هراس داشته باشند درصدد اقدامات بکر و جدیدی می‌باشند که نتایج بهتری به بار می‌آورد.

* داستان قورباغه پخته بدین قرار است که طبق مطالعات زیست‌شناسی اگر قورباغه را در یک ظرف فلزی که پر از آب گرم است بیندازند به طور ناگهانی احساس گرما کرده و با وارد شدن شوک فوراً به بیرون می‌پرد و اگر آنرا در همان ظرف فلزی که پر از آب خنک است رها کنند قورباغه سعی می‌کند در ته ظرف مخفی شود و اگر ظرف را بالای اجاق گذاشته و زیر آن آتش روشن شود وقتی آب ولرم شد قورباغه احساس راحتی بیشتر می‌کند بتدریج که دمای آب بالا می‌رود عضلات قورباغه سست‌تر می‌شود تا جایی که با احساس گرما می‌خواهد از آب بیرون بپرد اما دیگر دیر شده و عضلات او آنقدر سست شده که قادر به این کار نیست و اگر حرارت ادامه یابد قورباغه داخل آب می‌پزد و می‌میرد در حالی که قبل از اینکه کار از کار بگذرد قادر بود از آب به بیرون بپرد.

در بسیاری از سازمان‌ها و جوامع شبیه این اتفاق رخ می‌دهد.

داستان مارگیر نیز به این صورت است که مارگیر وقتی مار را دید با یک دست چوبی را در مقابل چشمان او به سرعت تکان می‌دهد در نتیجه مار گارد می‌گیرد و حواس خود را شش‌دانگ متوجه آن چوب می‌نماید که مبادا از آن ناحیه لطمه ببیند تا در صورت لزوم بتواند از خودش دفاع نماید در این حال مارگیر دست دیگر خود را به صورت آرام از پشت سر به مار نزدیک میکند و مار هیچ توجهی به آن نمی‌کند تا جایی که یک دفعه از زیر گلویش می‌گیرد و او را شکار می‌کند.

۵- عدم توجه کافی به عبرت گرفتن و استفاده از تجارب دیگران در گستره زمین و زمان

علی (ع) در نهج‌البلاغه در تعریف ایمان، موضوع عبرت را از شاخص‌های آن معرفی می‌کند (صبحی الصالح، ۱۳۶۰) عمده‌ترین علت ضرورت مطالعه تاریخ و جغرافیا و سیر در زمان و مکان همین مساله است بنا به مثل فارسی همه چیز را همگان دانند و علی (ع) درباره مشورت می‌فرماید: من استبدّ برایه هلك و من شاور الرجال شارکها فی عقولها. هرکس استبداد به رای نماید هلاک میگردد و هرکس با اشخاص صاحب‌نظر مشورت کند در عقل آنان شریک شده است. (صبحی الصالح، ۱۳۶۰).

در جهت استفاده از خرد جمعی تا حدودی می‌توان از یافته‌های علمی و تجارب انسان‌های دیگری که در زمان‌های گذشته یا سرزمین‌های دیگر بوده و هستند بهره برد البته این به معنای تقلید کورکورانه نیست بلکه باید تفاوت‌ها، شرایط زمانی و مکانی، ارزش‌ها، اعتقادات و فرهنگ و شباهت‌ها و ... را به دقت سنجید و حدود قابل تقلید را مشخص کرد.

به هرحال اقتباس از دیگران در مواردی خوب است حتی اگر افراد و جوامع مورد تقلید در حالت کلی مقبولیت نداشته باشند به مصداق فرمایش حضرت مسیح (ع) که فرمود: خذواالحق من اهل الباطل و لاتاخذوا الباطل من اهل الحق. حق را از اهل باطل بگیرید ولی باطل را از اهل حق قبول نکنید (برقی، ۱۳۷۱ هـ.ق) یا فرمایش حضرت علی (ع) که می‌فرماید: حکمت گم شده مومن است پس حکمت را بگیرید هر چند از منافقین (صبحی الصالح، ۱۳۶۰: ۴۸۱)

در داخل کشور نیز باید از اشخاص مجهز به دانش و تجربه حداکثر استفاده را نمود. لهذا تشکیل سازمانی بعنوان مرکز جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و تحقیق و توسعه در کنار قوه مقننه ضرورت تام دارد مرکزی که با بکارگیری کارشناسان ذیصلاح با آخرین روش‌های علمی نسبت به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد نیاز در سطح ملی و جهانی اقدام نماید.

۶- عدم توجه به گروهی بودن کار خط مشی گذاری عمومی

به هر کدام از ارکان قانونگذاری توجه نمائیم مانند مجلس با کمیسیون‌های مربوطه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیئت وزیران، شورای عالی قضایی و ... هر کدام یک گروه محسوب می‌شوند و عمده وظایف خود را به صورت گروهی انجام می‌دهند و گاهی ترکیب چند تا از آنها یک گروه بزرگ و تلفیقی را تشکیل می‌دهد.

امروزه قواعد علمی خاصی برای موفقیت کار گروهی و تفکر گروهی وجود دارد که مانند سایر علوم در حال پیشرفت می‌باشد به نظر می‌رسد در کشور ما بسیاری از اعضای گروه‌های یادشده اساساً متوجه این موضوعات نیستند و اگر معدودی از آنها به این موضوع واقف هستند زکات علمی خود را نمیدهند و دیگران را آگاه نمی‌کنند مرتباً باید توسط بزرگان به آنها گوشزد گردد که کار گروهی قواعدی متفاوت با کار فردی دارد. در گروه وحدت هدف، یکدلی، تعصب صنفی نسبت به گروه و اهداف، یکی شدن منافع فرد و گروه، تنازل و تحمل سخنان اعضای دیگر و حسن نیت و ... لازم است وگرنه انرژی اعضاء صرف خنثی کردن یکدیگر و تلف خواهد شد.

برخورد فرکسیون‌های مختلف در مجلس ششم مؤید این مطلب است. خدای متعال به پیامبر اسلام (ص) و به تبع به همه مسلمانان توصیه می‌کند که به وسیله حکمت (ذکر دلایل برای اشخاص فهمیده) و موعظه حسنه (صحبت‌های قابل فهم با بیان نیکو برای کسانی که حسن نیت دارند ولی عمق علمی ندارند) مردم را به راه پروردگارت دعوت کن و اگر مجادله لازم شد (برای اشخاص دیرفهم یا کسانی که حسن نیت ندارند) باید به بهترین نحو و زیباترین شکل انجام پذیرد (نه مانند مجادله اشخاص نادان و عقب مانده).

مشهور این است که کار گروهی در کشور ما به طور کلی ضعیف است اما اصلاح این امر مسلماً باید از رده‌های بالا شروع شود تا آنان الگویی برای رده‌های پائین‌تر باشند.

۷- فقدان سازوکار مناسب برای هماهنگی میان بخش‌های مختلف خط مشی گذاری

عمومی

وقتی صحبت از خط مشی گذاری عمومی می‌شود معمولاً قوه مقننه متبادر به ذهن می‌گردد در حالیکه تصویب نامه‌های هیئت وزیران، بخشنامه‌های وزراء، آئین نامه های اجرائی قوه مجریه، بخشنامه‌های مختلف قوه قضائیه هر کدام به‌نحوی خط مشی عمومی تلقی می‌شود و باید یک انسجام و هماهنگی کلی مابین همه آنها برقرار گردد البته کمیسیونی جهت تطبیق مصوبات هیئت دولت با قوانین عادی وجود دارد که بعلت تغییر مداوم اعضا و در مواردی عدم احاطه آنها نسبت به برخی زمینه‌ها و عدم استفاده کافی از کارشناسان ذیصلاح، کار آن کافی نیست در بسیاری از موارد دیده می‌شود قسمت‌هایی از بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌ها با مفاد قوانین هماهنگی ندارد دلیل بارز آن ابطال مکرر آنها توسط دیوان عدالت اداری و آراء وحدت رویه است که پس از اتلاف وقت و هزینه و بدآموزی مجریان و نارضایتی جمعیتی که با تضييع حق از آن مقررات متأثر می‌شوند و ذهنیت منفی و بی اعتمادی پیدا می‌کنند ناگهان فرد یا افرادی در این رابطه شاکی می‌شوند و از مرجع صالحه رای بطلان آن مصوبه را می‌گیرند و پس از وارد شدن آسیب‌های روانی و مادی، اصلاح صورت می‌گیرد.

۸- عدم توجه کافی به سیستم بازخور خط مشی گذاری عمومی

خط مشی‌های عمومی پس از تصویب و تثبیت و ابلاغ توسط طیف وسیعی از کارکنان بخش عمومی (دولت) اجرا می‌گردند. گروه‌هایی از مردم نیز در این رابطه متأثر و ذریب هستند هر چند همه انسان‌ها اعم از تصویب‌کننده، اجراکننده و ذینفع، قوای ذهنی مشابهی دارند ولی از باب اتمام حجت قابل ذکر است که با استفاده از استعاره بدن انسان اگر مغز تصمیم گیرنده است لاقلاً از طریق حواس پنجگانه از محسوسات و ادراکات و گزارشات خام تمامی اعضای بدن استفاده می‌کند چطور می‌شود ما از نظرات و گزارشات طیف‌های مذکور استفاده نکنیم. تقریباً در تمامی

وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها معاونت حقوقی و امورمجلس وجود دارد و در تمامی ادارات و سازمان‌ها بخشی به عنوان روابط عمومی دایر است.

معاونت‌های حقوقی و امورمجلس باید به کمک روابط عمومی‌ها نظرات ذینفعان و کارکنان اداری را در مورد قوانین و مصوبات جویا شده و با دستورالعمل‌های مدون و صدور آگهی از مطبوعات و رسانه‌ها تشویق‌های مادی و معنوی برای پیشنهادات برتر منظور نمایند و در نهایت موارد نقص و پیشنهادات اصلاحی را جمع‌بندی و به مرجع خط مشی گذار ارسال کنند.

از این سیستم بازخور حتی می‌توان قبل از وضع خط مشی عمومی نیز استفاده کرد و با طرح صورت مساله در خصوص راه حل و روش سؤال نمود. در هر حال اگر این سیستم به طور سنجیده عمل نماید مصداق مشارکت در عقول خواهد بود و یک اثر دیگر دارد که شاید اهمی‌تش از آن هم بالاتر است و آن اینکه باعث تقویت اعتماد به نفس در کارکنان و کارشناسان بخش عمومی و رضایت و خوشبینی مردم و تقویت وحدت ملی و رشد فکری و بروز استعدادها می‌گردد.

۹- بی‌توجهی به تقویت آگاهی‌های عمومی

در کشور ما تمام ارکان حکومت از رهبر انقلاب اسلامی گرفته تا مدیران جزء بطور مستقیم یا غیرمستقیم نتیجه انتخابات و آراء مردم می‌باشند. بخش عمده قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی) با آرای مستقیم مردم انتخاب می‌گردد. حقوقدانان شورای نگهبان توسط مجلس انتخاب و تایید می‌گردد. رئیس قوه‌ی مجریه (رئیس جمهور) با آراء مستقیم مردم انتخاب می‌شود و هیئت وزیران با معرفی ایشان و با رای اعتماد مجلس رسمیت می‌یابد. قوه قضائیه هم صرفنظر از انتخابی بودن به طور غیرمستقیم نقشی جز این ندارد که بعنوان ضابط اجرائی و ناظر بر رعایت قوانینی است که توسط دو قوه دیگر وضع شده است و باید دو قوه مقننه و مجریه شاکر باشند که چنین قوه‌ای ضامن اجرای مصوبات آنهاست و بدون آن تضمینی برای اجرای صحیح مقررات وجود ندارد.

هدف از این توضیح واضح‌تر این است که مردم با رای دادن و انتخابات کار بسیار بزرگی انجام می‌دهند و باید به اهمیت آن واقف باشند و بدانند که این رای چقدر ارزش دارد و چه مسؤولیتی در قبال خود آنان و خانواده‌شان و جامعه و نسل آینده و خدا و پیغمبر(ص) و ... ایجاد می‌نماید اگر کسی در انتخابش رعایت امانت نکند و بی‌مبالاتی نماید به خودش و همه اشخاص مذکور خیانت کرده است.

بسیار دیده می‌شود که اشخاصی تحت تاثیر قیافه، جنسیت، خوب حرف زدن، وعده‌های دروغین و خلاصه امور ظاهری و تبلیغات فریبنده نامزد انتخاباتی به او رای می‌دهند در حالی که مسؤولیتی غیر از این داشته‌اند.

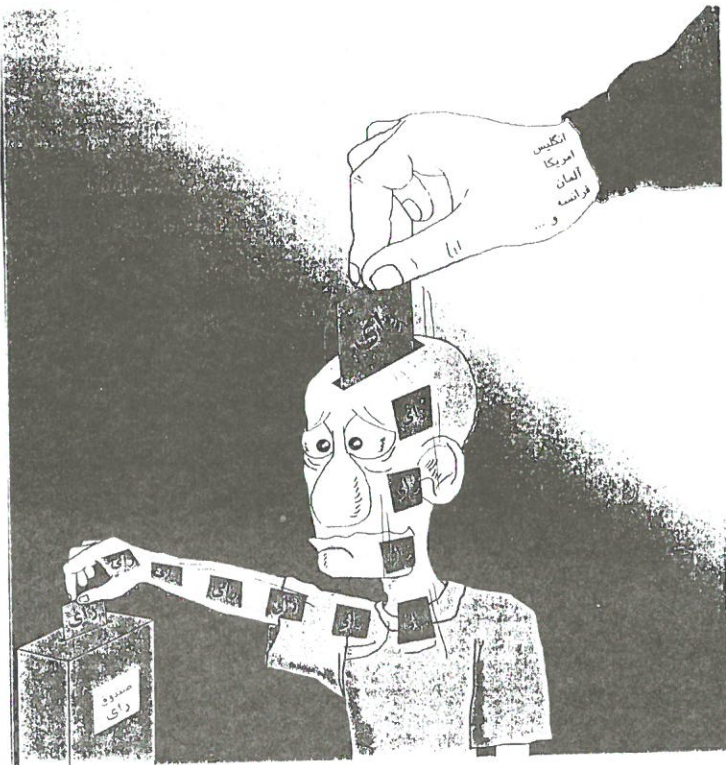
خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: و بدین‌سان بعضی از ستمگران را بر بعضی دیگر ولی قرار میدهم بواسطه اعمالشان (سوره انعام، آیه ۱۲۹) همچنین می‌فرماید: خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمیدهد تا زمانی که خودشان آن را تغییر دهند (سوره رعد، آیه ۱۱)

مرحوم دکتر شریعتی در یکی از مقالاتش مطلبی قریب به این مضمون می‌نویسد که در غرب ظاهراً انتخابات آزاد برگزار می‌گردد و رای‌دهندگان خیال می‌کنند که با کمال آزادی اشخاص مورد علاقه خود را انتخاب می‌نمایند در حالی که قدرتمندان زینفون که صاحبان سرمایه و قدرت سیاسی و فرهنگی هستند با بمباران تبلیغاتی و رسانه‌ای و ایجاد جو روانی قبل از انتخابات ظاهری، افراد منتخب خود را به طرز کاملاً نامحسوس چنان داخل مغز افراد جامعه می‌نمایند که خود آنان هم متوجه نمی‌شوند که این انتخاب در واقع انتخاب خود آنان نیست بلکه توسط دیگران به آنان تلقین شده است و اگر چه آزادی ظاهری وجود دارد.

ولی آزادی اطلاعاتی و آزادی روانی اصلاً وجود ندارد نه اطلاعات صحیح و پشت پرده به آحاد جامعه داده می‌شود و نه از فریب‌هایی که با استفاده از تمامی ابزارهای علمی از قبیل روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی، شناخت هنجارها و ارزش‌های قابل قبول و علایق مردم و حساسیت‌ها و ... صورت می‌گیرد مردم را مجال رهایی وجود دارد.

نتیجه این می‌شود که قدرتهای یاد شده به طور نامرئی آراء خود را به مغزهای مردم داخل می‌کنند و مردم بحسب ظاهری و مکانیکی همان آرا را از مغز به دست و از آنجا در صندوق‌های رای می‌ریزند !!!

ما که مدعی هستیم اسلام اعطاءکننده آزادی به معنای اتم و اکمل به انسانهاست نباید اجازه دهیم این روش‌ها در جامعه ما جریان یابد و راهش این است که موکلین را با اجرای برنامه‌های منظم از رسانه‌ها مانند صدا و سیما، روزنامه‌ها و ... آگاه کنیم.



انتخابات فریبی

متاسفانه رفته رفته انتخابات به سمت انتخابات غربی سوق می‌یابد بنحوی که امروزه احتمال اینکه کسی بتواند بدون پشتوانه مالی و حمایت پولداران و طرفداری گروه‌های ذینفوذ در انتخابات موفق شود بسیار ضعیف است. حتی اگر آن فرد از صلاحیت بالایی برخوردار باشد.

فی‌المثل قانون انتخابات محدودیت‌هایی از قبیل عدم نصب آگهی‌ها بغیر از محل‌های مجاز، عدم چاپ آگهی رنگی و ... تعیین نمود ولی اولین کسانی که آنرا نقض کردند همان نمایندگان تصویب کننده قانون بودند که برای دوره بعد هم نامزد شده بودند و هیچ تبعاتی هم برای تخطی از قانون لحاظ نمی‌شود.

در حالی که می‌توان نظم و نسقی در این رابطه ایجاد کرد. مثلاً با ارائه شناسنامه مخصوص و دستورالعمل نحوه تکمیل و لزوم تایید آن توسط مجریان انتخابات همه کاندیداها را ملزم به استفاده از آن کرد و هرکس تخطی کند برخوردهای مناسب انضباطی، هم با عوامل تبلیغاتی و هم با خود کاندیدا به عمل آید.

هر کس به اوراق تبلیغاتی دوره‌های اخیر توجه نماید به وسعت بی‌نظمی و عوامفریبی پی می‌برد. مثلاً کسی که دارای تحصیلات فوق دیپلم معماری است در اوراقش می‌نویسد دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته معماری یا کسی که کارشناس حقوق از یک دانشگاه غیر معتبر است می‌نویسد حقوقدان! و ده‌ها و صدها ابتکار دیگر برای فریب عوام.

چاره این کار در درجه اول عوام زدایی است و در درجه دوم ایجاد انضباط. در خود قانون انتخابات تاکنون ضعف‌های اساسی وجود داشته است مثلاً بجای آنکه تصریح کند در صورتجلسات هیئت‌های اجرائی و نظارت هر جا صلاحیت یک نامزد رد می‌شود باید اعضای موافق و مخالف با ذکر نام مشخص شوند تا ذینفع در آینده بتواند در صورت تضییع حق به محاکم مراجعه و طرح دعوی نماید و خود قانون انتخابات برای اشخاصی که در این رابطه امین محسوب شده‌اند ولی خیانت کرده‌اند مجازات‌های سنگین تعیین کند از جمله محروم شدن از عضویت درچنین هیئت‌ها در آینده تا کسی جرات خیانت نکند به این ترتیب مشاهده می‌کنیم اشخاصی با غرض

ورزی و ترک تقوا خیانت می‌کنند و در هر دوره هم بنحوی در این هیئت‌ها عضویت دارند و خیانت آنها هیچ تبعاتی ندارد بجای اینکه این موضوع مهم که حیثیت انسان-های شریف را خدشه‌دار میکند به این طریق حل شود بسیاری از نمایندگان (مثلاً درمجلس ششم) تمام هم و غم خود را صرف این می‌کنند که نظارت شورای نگهبان استصوابی نباشد!

در حالی که اولاً کسانی که در این مسائل حساس بوده و سابقه دارند می‌دانند که عنوان نظارت استصوابی را اولین بار رهبر معظم انقلاب مطرح فرمودند و پس از اظهار ایشان جایی برای چون و چرا نمی‌ماند.

ثانیاً فرضاً بخواهیم به عقل و استنباط خود مراجعه کنیم اصلاً معنای استصواب (طلب صواب و درستی و صحت کاری را کردن، درخواست و پیگیری صحیح بودن راه و مسیر و پرهیز از خطا) در بطن نظارت وجود دارد و نیاز به بحث نیست منظور از نظارت همان استصواب است و هیچ عاقلی مدعی نمی‌شود که نظارت برای این است که راه خطا پیموده شود! ممکن است ادعا شود که معنای اصطلاحی درقانون غیر از این است اگر اصلاح اشتباه هیئت‌های اجرائی در خصوص رد صلاحیت بعضی از کاندیداها توسط عوامل شورای نگهبان (هیئت‌های نظارت) از اول تاکنون مورد توافق تمام طرف‌ها و گروه‌های سیاسی بوده است و اگر مرجعی صلاحیت این را دارد که اشتباه مرجع دیگر را در عدم تایید (رد ناروا) تصحیح کند طبق برهان خلف می‌تواند اشتباه او را در تایید (قبول ناروا) نیز اصلاح نماید و اگر طرف دوم امکان اشتباه در رد بنا حق را دارد با همین منطق امکان اشتباه در تایید بنا حق را نیز دارد و آن مرجع که فرض میشود از لحاظ امانت‌داری، قدرت تشخیص، بی‌طرفی و ... یک پله بالاتر از مجری ایستاده است صلاحیت تصحیح اشتباه او را در هر دو حال دارد.

لذا می‌بینیم بجای پرداختن به مشکلات واقعی با طرح مسائل انحرافی از این قبیل علاوه بر اتلاف وقت و هزینه باعث ایجاد تفرقه در بین مردم و خدشه دار شدن وحدت ملی و به طمع افتادن دشمنان و ... می‌گردند.

نتیجه این که احراز صفات قوی امین همچنان که دختر حضرت شعیب (ع) در پیشنهاد به پدرش برای استخدام حضرت موسی (ع) (که هنوز به پیغمبری مبعوث نشده بود) وی را با این صفات معرفی کرد (سوره قصص، آیه ۲۶) و حفیظ علیم [همانطور که حضرت یوسف (ع) پس از خلاصی از زندان در پاسخ به درخواست عزیز مصر مبنی بر قبول مسوولیت در حکومت پیشنهاد نمود مسؤول خزائن (تقریباً مجموع وزارت امور اقتصادی و دارائی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی امروز) باشد و خود را متصف به دو صفت مذکور عنوان کرد (سوره یوسف، آیه ۵۵)] برای خط مشی گذاران ضرورت دارد تا در سایه آن کشور اسلامی ایران به مدینه فاضله تبدیل گردد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ۱- احصائی، ابن جمهور. (۱۴۰۵ هـ.ق). «عوالی الیالی». جلد چهارم، صفحه ۳۹، انتشارات سیدالشهداء (ع).
- ۲- الوانی، سید مهدی و فتاح شریفزاده. (۱۳۷۹). «فرآیند خط مشی گذاری عمومی». چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۳- برقی، احمدبن محمدبن خالد. (۱۳۷۱ هـ.ق). «المحاسن». جلد اول، صفحه ۲۹۹. قم: انتشارات دارالکتب اسلامی.
- ۴- صبحی الصالح. (۱۳۶۰). نهج البلاغه حضرت علی(ع). قم: انتشارات دارالهجره. (اصل کتاب در بیروت سال ۱۳۸۷ هـ.ق. به چاپ رسیده است). ص ۴۷۳، حکمت ۳۱ و ۱۶۱ و ۸۰.
- ۵- قرآن کریم، حکمت ۸۰.